

موضوع:

بررسی تطبیقی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و مسیحیت

A comparative study of religious education in Islam and Christianity

إن البحث التطبيقي في التربية الدينية في الاسلام و المسيحية

چکیده

تربیت در لغت به معنای پروراندن و پرورش دادن و تربیت دینی از نظر اسلام به معنای شکوفاسازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جنبه‌های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی است، و از نظر مسیحیت آماده‌سازی افراد برای زندگی آمیخته با اخلاق می باشد. تربیت در اسلام دارای اصولی مانند: اصل خدا محوری، فطرت‌گرایی، عمل‌گرایی و آزمایش، اخلاق‌مداری و محبت محوری، آخرت‌اندیشی، تفاوت‌های فردی و اجتماعی و تأمین نیازها می باشد. اسلام برای تربیت روش‌های جامع و مفیدی ارائه می کند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ایجاد محیط تربیتی مناسب، تکریم شخصیت، تحریک اندیشه و پرورش نیروی عقلانی، دعوت به ارزش‌های اخلاقی، عبرت‌آموزی، روش ابتلا و امتحان و تشویق و تنبیه.

دین مسیحیت نیز در زمینه تربیت دارای اصولی از جمله: محبت محوری، خداگرایی، اصل ایمان، آخرت‌اندیشی و ارزش‌های اخلاقی می باشد. دین مسیحیت طی چهار دوره از ظهور حضرت عیسی علیه السلام تا قرن هیجدهم تأثیرات زیادی بر تعلیم و تربیت غرب داشته که تغییرات زیادی را در این زمینه بوجود آورده است.

بررسی تطبیقی تربیت دینی در دو دین اسلام و مسیحیت نشان می دهد که نیل به یک الگوی تربیت دینی مشترک، خواهد توانست راه را برای تفاهم و وحدت بیشتر جوامع مسلمان و مسیحی باز نموده و مبنایی برای الهام نحوه تربیت دینی جوامع مذکور فراهم سازد.

کلید واژه ها: تربیت دینی، اسلام، مسیحیت، اصول، روش‌ها.

Abstract

The word means to develop and foster education and religious education in Islam means shkvfasazy and actualization of all the talents in various aspects of personality, ie, physical, intellectual, social, emotional and moral, And in terms of preparing people for lives of Christian moral. Education in Islamic principles such as the principle of God-centered, Ftrtgrayy, pragmatism and testing, ethical and love oriented, next-mindedness, individual differences and social security is required. . Islam is comprehensive and useful method to train the most important ones are: the creation of appropriate educational environment, dignified character, provoke thought and foster the intellect, an invitation to moral values, EXEMPLARY, test methods and risk and reward and punishment .

Christianity also trained in principles such as love acentral, Deism, the belief in the Hereafter is thinking and moral values. During the four series of the advent of Christianity Jesus until the eighteenth century West had a great impact on education that has created a lot of changes in this area.

A comparative study of religious education in Islam and Christianity shows that to achieve a common pattern of religious education, would pave the way for greater understanding and unity of Muslim and Christian communities and These communities provide a basis for inspiration on how religious education.

Key words of all: religious education, Islam, Christianity, principles, methods.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اوّل: کلیات و مفاهیم.....	۱
۱-۱ مقدمه و تعاریف.....	۲
۱-۱-۱ مقدمه.....	۲
۱-۱-۲ بیان موضوع.....	۳
۱-۱-۳ بیان مسئله.....	۳
۱-۱-۴ اهداف و کاربردهای تحقیق.....	۴
۱-۱-۵ سوال های تحقیق.....	۴
۱-۱-۶ فرضیه ها.....	۴
۱-۱-۷ اهداف و ضرورت.....	۵
۱-۱-۸ روش تحقیق.....	۵
۱-۱-۹ پیشینه ی تحقیق.....	۵
۱-۲ مفاهیم تحقیق.....	۵
۱-۲-۱ تربیت.....	۵
۱-۲-۱-۱ تربیت در لغت و اصطلاح.....	۵
۱-۲-۲ اسلام.....	۶
۱-۲-۳ مسیحیت.....	۶
فصل دوّم: تربیت از دیدگاه اسلام.....	۷

مقدمه.....	۸
۱-۲- اصول تربیت.....	۹
۱-۱-۲- اصل خدامحوری.....	۹
۲-۱-۲- فطرت‌گرایی.....	۱۱
۳-۱-۲- عمل‌گرایی و آزمایش.....	۱۴
۴-۱-۲- اخلاق‌مداری و محبت‌محوری.....	۱۶
۵-۱-۲- آخرت‌اندیشی.....	۱۹
۶-۱-۲- تفاوت‌های فردی.....	۲۱
۷-۱-۲- تفاوت‌های اجتماعی.....	۲۳
۸-۱-۲- تأمین‌نیازها.....	۲۵
۱-۸-۱-۲- تأمین‌نیازهای مادی و معنوی انسان.....	۲۶
۲-۸-۱-۲- توجه به نیازهای معیشتی و اقتصادی.....	۲۶
۳-۸-۱-۲- توجه به نیازهای جنسی.....	۲۸
۴-۸-۱-۲- توجه به امنیت.....	۲۸
۵-۸-۱-۲- توجه به نیازهای عاطفی.....	۳۰
۶-۸-۱-۲- کار و تلاش.....	۳۱
۷-۸-۱-۲- ورزش و سرگرمی‌های سالم.....	۳۲
۲-۲- روش‌های تربیتی از دیدگاه اسلام.....	۳۳
مقدمه:.....	۳۴

۳۴	۱-۲-۲- ایجاد محیط تربیتی مناسب.....
۳۵	۱-۱-۲-۲- زمینه سازی.....
۳۵	۱-۱-۱-۲-۲- توجه به محیط خانه و خانواده.....
۳۶	۲-۱-۱-۲-۲- تربیت شایسته فرزندان.....
۳۸	۳-۱-۱-۲-۲- انتخاب نام نیکو برای فرزندان.....
۳۸	۲-۱-۲-۲- الگو سازی.....
۳۹	۱-۲-۱-۲-۲- مزایا و ویژگی های الگوهای قرآنی.....
۳۹	۲-۱-۲-۱-۲-۲- جنبه بشری و امکان دسترسی همگان به اسوه ها.....
۴۰	۳-۱-۲-۱-۲-۲- حقیقی بودن اسوه ها.....
۴۰	۳-۱-۲-۲- سالم سازی محیط.....
۴۲	۴-۱-۲-۲- تغییر(هجرت).....
۴۴	۱-۴-۱-۲-۲- برکات و ثمرات هجرت در راه خدا.....
۴۴	۱-۱-۴-۱-۲-۲- نجات از ستمگران و محیط فاسد.....
۴۵	۲-۱-۴-۱-۲-۲- اصلاح بینش و رفتار.....
۴۵	۳-۱-۴-۱-۲-۲- زدودن خاطرات غم انگیز.....
۴۶	۴-۱-۴-۱-۲-۲- اجرای قوانین الهی و گسترش عدالت.....
۴۶	۲-۲-۲- تکریم شخصیت.....
۴۸	۱-۲-۲-۲- محبت و احترام.....
۴۹	۳-۲-۲- تغافل و اغماض.....

- ۵۰ ۱-۳-۲-۲- تغافل
- ۵۱ ۲-۳-۲-۲- عفو و اغماض
- ۵۲ ۳-۳-۲-۲- مسئولیت دادن
- ۵۳ ۴-۳-۲-۲- مشورت
- ۵۴ ۴-۲-۲- تحریک اندیشه و پرورش نیروی عقلانی
- ۵۴ ۱-۴-۲-۲- اعطای بینش و اصلاح نگرش
- ۵۵ ۲-۴-۲-۲- طرح سوال
- ۵۶ ۱-۲-۴-۲-۲- ایجاد شوق و رغبت در مخاطبان
- ۵۶ ۲-۲-۴-۲-۲- برانگیختن توجهات
- ۵۷ ۳-۲-۴-۲-۲- هشدار و ملامت
- ۵۷ ۴-۲-۴-۲-۲- پند گرفتن
- ۵۷ ۳-۴-۲-۲- مقایسه
- ۵۸ ۴-۴-۲-۲- تمثیل
- ۵۹ ۵-۴-۲-۲- جلب توجه
- ۵۹ ۱-۵-۴-۲-۲- حرکات معما گونه مرتبی
- ۶۰ ۲-۵-۴-۲-۲- استفاده از تعابیر جالب توجه
- ۶۰ ۱-۲-۵-۴-۲-۲- استفاده از کلمات یا جملات تأثیر بر انگیز
- ۶۰ ۲-۲-۵-۴-۲-۲- استفاده از شیوه پرسشی
- ۶۱ ۵-۲-۲- دعوت به ارزش های اخلاقی

۶۱.....	۲-۵-۱- دعوت به شیوه غیر مستقیم.....
۶۲.....	۲-۵-۲- پیشتازی در عمل.....
۶۳.....	۲-۵-۳- رویارویی افراد با نتیجه اعمالشان.....
۶۴.....	۲-۵-۴- بهره برداری مناسب از تمامی فرصت ها.....
۶۵.....	۲-۵-۵- بشارت و انذار.....
۶۵.....	۲-۵-۵-۱- تبشیر.....
۶۶.....	۲-۵-۵-۲- شیوه انذار.....
۶۶.....	۲-۵-۶- موعظه.....
۶۷.....	۲-۵-۷- تذکر.....
۶۸.....	۲-۶-۶- عبرت آموزی.....
۷۰.....	۲-۷-۷- روش ابتلا و امتحان.....
۷۲.....	۲-۸-۸- تشویق و تنبیه.....
۷۲.....	۲-۸-۱- روش تشویق.....
۷۴.....	۲-۸-۲- روش تنبیه.....
۷۶.....	فصل سوم: تربیت از دیدگاه مسیحیت.....
۷۷.....	۳-۱- اصول تربیت از دیدگاه مسیحیت.....
۷۸.....	مقدمه.....
۷۹.....	۳-۱-۱- محبت محوری.....
۸۱.....	۳-۱-۲- خداگرایی.....

۱-۳-۳- اصل ایمان.....	۸۳
۱-۳-۴- آخرت اندیشی.....	۸۴
۱-۳-۵- ارزش های اخلاق.....	۸۶
۳-۲- شیوه های تعلیم و تربیت مسیحیت در غرب.....	۸۹
مقدمه:.....	۹۰
۳-۲-۱- تاریخ تعلیم و تربیت مسیحی غرب.....	۹۰
۳-۲-۱-۱- دوران اول: از ظهور حضرت عیسی علیه السلام تا اواسط سده چهارم.....	۹۱
۳-۲-۱-۲- دوران دوم: از قرن چهارم تا قرن دوازدهم.....	۹۴
۳-۲-۱-۳- دوران سوم: از قرن دوازدهم تا قرن شانزدهم.....	۹۷
۳-۲-۱-۴- دوران چهارم: از اوایل قرن شانزدهم تا اواسط قرن هیجدهم.....	۱۰۲
فصل چهارم: نگاهی تطبیقی بین تربیت اسلام و مسیحیت.....	۱۰۸
مقدمه.....	۱۰۹
۴-۱- اهداف تربیت.....	۱۰۹
۴-۲- ابزارهای شناخت و روش های تربیت.....	۱۱۱
۴-۳- منابع شناخت و محتواهای تربیتی.....	۱۱۶
۴-۴- عوامل شناخت.....	۱۱۸
۴-۵- ارزش های دینی.....	۱۲۰
نتیجه گیری.....	۱۲۳
منابع و مآخذ.....	۱۲۵

فصل اوّل: کلیات و مفاهیم

۱-۱- مقدمه و تعاریف

۱-۱-۱- مقدمه

دین و «تربیت»، دو واقعیتِ اصیل، گسترده و بسیار تأثیرگذار در همه‌ی احوال زندگی انسان به شمار می‌آیند و تحلیل و بررسی آثار و ابعاد این دو مقوله‌ی نسبتاً پیچیده از منظرهای گوناگون جایگاه خاصی را در بیش‌تر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به خود اختصاص داده است. مطالعه‌ی گذرای تاریخ پرفراز و نشیب زندگی آدمی نشان می‌دهد که دین و تربیت معمولاً با یکدیگر ارتباط متقابل و دوسویه داشته‌اند:

از سویی جلوه‌های گوناگون دین و نهاد مذهب نقش بنیادینی را در شکل‌دهی و گسترش فرایند تربیت ایفا نموده‌اند، به گونه‌ای که «با سیری اجمالی در تاریخچه‌ی تعلیم و تربیت در جهان، می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر قرون و در بیش‌تر سرزمین‌ها «دین» اولین و مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت بوده است و همیشه حکومت‌ها بر سر رهبری فکری جامعه در تعلیم و تربیت مردم، با این نهاد رقابت کرده و مغلوب شده‌اند.»^۱ و به بیان دیگر «دین از جهت‌های مختلف نقشی اساسی در تربیت انسان ایفا کرده است؛ از این‌رو ارتباط بین مذهب و مربی سابقه‌ای بس دیرینه دارد، در هندوستان قدیم مذهب اساس تربیت بود؛ در اروپای قرون وسطا نیز مذهب کاملاً بر آموزش و تربیت تأثیر داشت.»^۲

از سوی دیگر نیز جریان تربیت به صورت ابزاری مؤثر در خدمت تحقق اهداف و ارزش‌های دینی و تثبیت موقعیت دین در جوامع (یا احیاناً در مواردی به عنوان وسیله‌ای برای تضعیف و محو باور دین و التزام به آن) قرار گرفته است که شکل آشکار این نوع رابطه در حیطه‌ای خاص از تربیت، با عنوان تربیت دینی در غالب نظام‌های تربیتی رسمی و غیررسمی مشاهده می‌شود.

با توجه به جنبه‌های گوناگون شخصیت انسان، یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و دینی می‌توان از انواع تربیت‌های جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و دینی سخن گفت. در وصف عظمت تربیت دینی همین بس که تربیت دینی، به‌منزله یکی از مهم‌ترین انواع، و بلکه مهم‌ترین نوع تربیت، دربرگیرنده همه انواع دیگر تربیت نیز هست.

^۱. کاردان، علیمحمد و همکاران، فلسفه تعلیم و تربیت...، ج ۱، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۱۰۷.

^۲ چائوب اس. پی. دین و تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، ترجمه شهاب‌الدین مشایخی‌راد، ص ۳۱ و ۳۰.

از سوی دیگر، دین مبین اسلام سرشار از نکته‌های ژرف در خصوص تربیت دینی است؛ اگرچه باید این نکات استخراج و تبیین شوند، که چنین امری در مورد دین مسیحیت نیز صادق است. اکنون اگر مقایسه‌ای بین دو دین مذکور، با هدف استخراج و تبیین وجوه تشابه و تفاوت - با تأکید بر وجوه تشابه - صورت گیرد، الگوی تربیتی متشکل از اجزا و عناصر گوناگون تشکیل‌دهنده تربیت مشخص و تعیین خواهد شد، و خواهد توانست به مثابه‌ی مبنایی برای تربیت اسلامی و مسیحی برای همه‌ی مسلمین و مسیحیان جهان قابل استفاده باشد.

۱-۱-۲- بیان موضوع

بررسی تطبیقی تربیت دینی از دیدگاه اسلام و مسیحیت

۱-۱-۳- بیان مسئله

تربیت در اسلام به معنای شکوفا سازی و به فعلیت رساندن جمیع استعدادها در جنبه‌های گوناگون شخصیتی یعنی ابعاد جسمانی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی و اخلاقی است. این شکوفاسازی با موازین و ضوابط الهی میسر است و از این دو خلاف چنین ضوابطی شکوفازی محسوب نمی‌شود.

تربیت در دین مسیح به معنای آماده سازی افراد برای زندگی است و از آنجا که چنین زندگی و حیانی ذاتاً آمیخته با اخلاق است، پس منظور از تربیت اخلاقی مسیحی راهی است که با آن راه چنین شکل خاصی از زندگی اخلاقی به متریان آموخته می‌شود.

دین اسلام سرشار از نکته‌های ژرف در خصوص تربیت دینی است، و چنین امری در مورد دین مسیح نیز صادق است.

ما در این پروژه برآنیم تا مقایسه‌ای بین دو دین مذکور با هدف استخراج و تبیین وجوه تشابه و تفاوت صورت گیرد و الگوی تربیتی متشکل از اجزاء و عناصر گوناگون تشکیل‌دهنده تربیت مشخص و تعیین خواهد شد. و می‌تواند به مثابه‌ی مبنایی برای تربیت اسلامی و مسیحی برای همه‌ی مسلمین و مسیحیان جهان قابل استفاده باشد.

۱-۱-۴- اهداف و کاربردهای تحقیق

بحث تربیت یکی از موضوعات اساسی بشر امروز است، با توجه به اینکه دین مسیح و اسلام دو دین بزرگ هستند و پیروان این ادیان اکثریت مردم جهان را تشکیل می دهند می توان با ارائه ی روش های مشترک تربیت از هر دو دین اسلام و مسیح راهکارهای مناسبی برای تربیت بشر در حوزه هر دو دین ارائه داد.

۱-۱-۵- سوال های تحقیق

۱- در زمینه ی تربیت دینی در اسلام و مسیحیت چه وجوه اشتراکی و افتراقی وجود دارد؟

سوالات فرعی پژوهش:

۱- تربیت دینی چیست؟

۲- راهکارهای تربیت دینی در اسلام چیست؟

۳- راهکار های تربیت دینی در مسیحیت چیست؟

۱-۱-۶- فرضیه ها

فرضیه های اصلی

۱. تربیت اسلامی و مسیحی بر به فعلیت رساندن و پرورش همه استعدادهای انسان تاکید می ورزند و همه جنبه های فردی و جمعی فرد را مورد نظر قرار می دهند. و از نظر موضوع، رسالت و... با همدیگر تفاوت هایی دارند.

فرضیه های فرعی

۱. بارور نمودن باورهای زیبا، صفات نیک و اعمال شایسته ای است که فرد را به فلاح و رستگاری راهنمایی می کند و در اثر این رشد، جسم و روح انسان به نهایت سلامت و خود شکوفایی خود نایل شده و فرد و جامعه به زندگی پاکیزه دست میابند.
۲. در اسلام راهکارهای زیادی همچون روش های گفتاری، رفتاری، تقلیدی، تلقینی، الگویی، عملی و ... برای تربیت فرد وجود دارد.

۳. در تربیت مسیحی بیشترین تأکید بر روی اخلاق می باشد

۱-۱-۷- اهداف و ضرورت

۱- بیان اصول و روش های تربیت دینی.

۲- بیان شباهت ها و تفاوت های تربیت دینی در دو دین اسلام و مسیحیت و مطابقت آنها با همدیگر.

۱-۱-۸- روش تحقیق

روشی که برای انجام این پروژه به کار رفته است، روش توصیفی- تحلیلی می باشد و روش جمع آوری مطالب هم به صورت کتابخانه ای و نرم افزاری بوده است.

۱-۱-۹- پیشینه ی تحقیق

در رابطه با تربیت در دین اسلام کتاب و تحقیق های فراوانی نوشته شده، از جمله کتاب های زیر. ولی در رابطه با بررسی تطبیقی تربیت دینی در اسلام و مسیحیت کتابی نوشته نشده، تنها یک مقاله نگارش شده که جای کار بیشتری دارد.

۱-۲- مفاهیم تحقیق

۱-۲-۱- تربیت

۱-۱-۲-۱- تربیت در لغت و اصطلاح

تربیت در لغت به معنای پروراندن، پروردن و آموختن،^۱ و همچنین به معنای پرورش دادن، بار آوری و رشد دادن می باشد.^۲

تربیت در اصطلاح به معنای فراهم آوردن زمینه لازم برای پرورش استعداد های درونی هر موجود و به فعلیت رساندن امکانات بالقوه آن در جهت کمال اوست.^۱

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ش، ص ۷۲۰.

۲. میرزایی، نجفعلی، فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی فارسی- تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۷۵.

۱-۲-۱-۲- مفهوم تربیت از دیدگاه اسلام و مسیحیت

«تربیت دینی .. اصطلاحاً به مفهوم جنبه‌ای از فرایند تعلیم و تربیت ناظر به پرورش ابعاد شناختی، عاطفی و عملی متربی از لحاظ التزام به دینی معین است»^۲ و به عبارت دیگر «رشد و تقویت عقاید دینی، حالات و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی را برای تحقق شخصیتی متدین مد نظر دارد»^۳

تربیت مسیحی، آماده‌سازی افراد برای زندگی است و از آنجا که چنین زندگی و حیاتی ذاتاً آمیخته با اخلاق است، پس منظور از تربیت اخلاقی مسیحی راهی است که با آن راه چنین شکل خاصی از زندگی اخلاقی به متربیان آموخته می‌شود.^۴

۱-۲-۲- اسلام

اسلام در لغت از ریشه «سلم» به معنای فرمانبر داری، و در اصطلاح نام شریعت و التزام به آن چیزی است که پیامبر اسلام ﷺ آورده است و گفته اند اسلام آوردن به وسیله زبان است و ایمان با قلب. اسلام در حقیقت شرعی خود اسمی است عام که بر دیانتی ربانی دلالت می کند و برای انسان پیرو خویش جنبه های اعتقادی، سلوکی قایل است و اهداف و غایت او را تبیین می کند.^۵

۱-۲-۳- مسیحیت

مسیح در لغت نام حضرت عیسی علیه السلام می باشد بدان جهت که متبرک آفریده شده، و مسیحی به کسی می گویند که بر دین مسیح باشد. و مسیحیت هم به معنای مسیحی بودن، آیین مسیحی و دین مسیحی می باشد.^۶

۱. نک: حسینی، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱. ص ۱۸.

۲. کیومرثی، غلامعلی، مبانی و اصول تربیت دینی و تفاوت آن با تعلیمات دینی، تهران: مدرسه، ۱۳۸۶. ص ۸.

۳. نک: باقری، خسرو، چیستی تربیت دینی، تهران: نشر تربیت اسلامی، ۱۳۸۰. ص ۷.

۴. نک: علوی، سید حمید رضا، بررسی تطبیقی تربیت دینی در اسلام و مسیحیت، مجله اسلام و پژوهش های تربیتی، اول: دوم، ۱۳۸۸. ص ۶۳.

۵. نک: خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، بی جا: گلشن، دوم، ۱۳۸۱. ص ۲۱۹.

۶. نک: دهخدا، علی اکبر، ج ۲، پیشین، ص ۲۷۱۴.

فصل دوّم: تربیت از دیدگاه اسلام

مقدمه

فعالیت‌های تربیتی، از جمله فعالیت‌های اساسی است که در حیات فردی و جمعی انسان، تأثیری انکارناپذیر دارد. این فعالیت‌ها برای تحقق اهداف مورد نظر، تابع اصل یا اصولی هستند. مشخص کردن اصول تربیت در هر حیطه (دینی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی و غیره) که باشد، از جمله اقدامات اساسی است که باید قبل از هر فعالیت تربیتی انجام پذیرد. این اصول از هر منبعی اخذ شوند - فلسفه، دین، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های معرفتی و علمی - باید پاس داشته و به رعایت آنها اهتمام ورزیده شود؛ در غیر این صورت، جریان تربیت، در فرایند خود تا رسیدن به هدف نهایی دستخوش مخاطره خواهد شد.

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ کنش و واکنش انسانی نمی تواند در خلأ و بدون ضابطه ای مشخص آغاز، و بی هدف پایان پذیرد.

امر تربیت که یکی از زمینه های مهم در مناسبات انسانی است نیز از این قاعده مستثنا نیست. مکاتب تربیتی هیچ گاه خود را فارغ از چارچوب های بنیادین و اصول نظری معرفی نمی کنند. حتی مکتب هایی چون رفتارگرایی، که بر رفتار تأکید می کنند و اهداف کلی و آرمانی را چندان قابل مطالعه و تحقیق نمی دانند، نیز هرگز ادعایی در شکستن حصر قواعد و اصول کلی حاکم بر رفتار را ندارند؛ چرا که پذیرش همین قواعد و اصول کلی سبب امتیاز و تشخیص مکاتب تربیتی و جدایی آنها از یکدیگر می شود. آنچه همه، بر سر آن اتفاق نظر دارند داشتن هدف و روشهای متناسب با آن است. انتخاب هدفهای تربیتی ریشه در نوع انسان شناسی مختلف دارد و هدفها، تعیین کننده نوع روشهای تربیتی اند. بنابراین، می توان هماهنگی اصول را با مبانی انسان شناسی از طریق هدف و غایت شناسی کاملاً توجیه کرد. به بیانی واضحتر منشأ انشقاق اصول، اهدافی است که همواره از زوایای درک موقعیت انسان در جهان بر اساس رویکردهای گوناگون به او و جهان دریافت شده است. با توجه به آنچه بیان شد، حداقل مفاهیمی که در دستور کار هر مکتب تربیتی قرار می گیرد عبارت است از: مبنا، هدف، اصل و روش. شناخت مفاهیم مزبور و درک نحوه ارتباط آنها نسبت به یکدیگر و کارکرد متمایز هر یک در زمینه ی تربیت، ما را به ساخت چارچوب یا نظام تربیتی مشخص رهنمون می سازد؛ چارچوبی که فرایند تربیت در آن آغاز، و به سرانجامی متناسب با شاخص های آن، نایل می شود.

۲-۱- اصول تربیت

مهم ترین اصولی که در این زمینه می توان از متون دینی استخراج کرد عبارتند از:

۲-۱-۱- اصل خدامحوری

اصل خدا محوری یکی از مهمترین اصول در تربیت دینی می باشد و مهم ترین اصل ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر رویکردهای تربیتی به شمار می آید. به طور مشخص مفهوم خدامحوری عبارت است از:

«انجام و یا قصد انجام کلیه اعمال و رفتار انسان براساس ملاک و معیارهایی که خداوند برای آنها تعیین کرده است، به منظور کسب رضایت الهی»^۱

جریان این امر در عمل تربیتی ناظر بر نحوه ی عملکرد مربی براساس آن ملاکهاست. این اصل در آیات قرآن نیز یاد آوری شده و خداوند می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرًا نُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۲ «بگو: در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت واقعی است که دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم.»

علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می فرماید: «هدایت صحیح، آن هدایتی است که با نوامیس خلقت و واقع سازگار باشد، و معلوم است که زمام خلقت و نوامیس آن، تنها به دست خدای تعالی است. بنا بر این، انسان که از ادیان و معتقدات جز مطابقت با واقع و پیروی آن، منظوری ندارد نباید جز به هدایت پروردگار سر بسپارد»^۳

بنابراین، گزینش برنامه های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه ی رضایت خداوندی در متری روز به روز فزونی یابد، تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه ی تعهد در متری برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمره ای است که از این اصل حاصل می شود. مبانی اشتقاق اصل خدامحوری را می توان در دو بعد جهان

۱. نک: مشایخی راد، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، ۳۲: روش شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۱، ص ۵۳.

۲. انعام/۷۱.

۳. طباطبایی، محمد حسین تفسیر المیزان، ج ۷، تهران: علامه طباطبایی، ۱۳۶۳ش. ص ۲۰۴.

بینی و انسان شناختی خلاصه کرد. براساس جهان بینی توحیدی، جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر بودن وجود و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته ی آنها استوار است.^۱

اگر فرد ایمان قوی داشته باشد مسلماً محور خدا گرایی در زندگی او پر رنگ تر خواهد بود و این اصل در زندگی و تربیت او نمایان خواهد شد. خداوند می فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۲ «و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند»

از نظر قرآن توجه به خدا و ترس از خدا مهم ترین اصل در تربیت دینی می باشد. زیرا کسی که خدا را همواره در همه لحظات زندگی در نظر می گیرد اعمای و رفتارش بر پایه صحیحی استوار می گردد. همانگونه که ذکر خدا در تمام حالات و لحظات زندگی موجب کنترل باطنی انسان شده و او را از اعمال زشت و انحراف آمیز باز می دارد، غفلت و دوری از یاد خدا سبب انحراف انسان از سیر تکاملی گردیده و او را به سوی ارتکاب گناه سوق می دهد. محور همه تلاش ها و فعالیت های تربیتی قرآن رشد و شکوفائی همه ابعاد وجودی و استعداد های انسان در جهت نزدیک شده به مبدأ کمال است. از این رو اساس نظام تعلیم و تربیت قرآن خدا محوری است.^۳

شاید مهم ترین نقطه ی افتراق مکتب تربیتی دینی با دیگر مکاتب تربیتی، در نگاه به جهان و انسان باشد. برخی از مکاتب تربیتی با ارائه ی تفسیری متفاوت از انسان و جهان، تربیت را بر محوری غیر از خدا، از قبیل پرورش عقل و خرد، نیل به رفاه و آسایش، دست یابی به فضیلت، اخلاق و غیره قرار داده اند؛ حتی دیدگاه حکمای بزرگی چون افلاطون و ارسطو نیز انسان را در سطحی کاملاً متفاوت از سطح خدامحوری قرار می دهد. آنها بیش تر مسائل تربیتی جامعه را از دیدگاهی خردگرایانه نگریسته اند.^۴

۱. نک: مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، قم: صدرا، ۱۳۷۱، ص ۸۳

۲. بقره/ ۱۶۵.

۳. نک: فرهادیان، رضا، مبانی تعلیم و تربیت انسان در قرآن، قم: نشر الهادی، اول: ۱۳۷۲، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۴. مدلین، ویلیام، تاریخ آراء تربیتی غرب، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۴۵.

بسیاری از خلق و خوی های انسان تحت تأثیر نگرش وی به خویش و باورهایش است. نوع دیدگاه و عقاید هر فرد منش تربیتی او را تا حد زیادی شکل می دهد. بنابراین عمده در اصلاح تربیت اصلاح مبانی آن یعنی اصلاح باوری نادرست و تعمیق باورهای درست است.^۱

کنفوسیوس صریحاً اعلام نمود که «انجام خدمت همه جانبه به خاطر رفاه افراد بشر باید به عنوان نشانه ی یک فضیلت فوق العاده یا کامل یا احتمالاً یک فضیلت الهی قلمداد گردد»^۲

با توجه به مطالب گفته شده مهم ترین اصل در تربیت دینی اصل خدا محوری می باشد. و می بایست در اصول تربیتی توجه ویژه ای به آن شود زیرا اگر تربیت دینی از چنین اصلی برخوردار نباشد در واقع آن تربیت رنگ و بوی دینی نخواهد گرفت.

۲-۱-۲- فطرت گرایی

فطرت منشأ حرکت و تکاپوی دائمی انسان بسوی کمال است. کشش ها و گرایشات فطری بخلاف کشش های غریزی، ریشه در اندام های جسمی ندارند و از ویژگی های روح آدمیست. در این نظام، شکوفایی هدفی است برای همه انسان ها. همه می توانند به شکوفایی دست یازند. انسان ها برای شکوفا شدن، باید خود را کشف کنند؛ بفهمند که چه ویژگی ها و طبیعتی دارند و اینکه چه می توانند بشوند. قدم اول در این راه، باور داشتن جنبه های ذاتی و پنهانی وجود آدمی است. قدم دوم این است که به انسان یاد داده شود که چگونه هویت خود را باز شناسد. گرایشات فطری قابل تربیت و پرورش اند. گاهی این گرایشات در اثر عدم هدایت و پرورش صحیح از مسیر اصلی خود منحرف گردیده و زمینه و وسیله ای برای اغواء و وسوسه های شیطان واقع می گردد.^۳

حضرت امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت تربیت فرموده اند:

«اسلام آمده انسان درست کند و انسان همه چیز است، همه ی عالم است انسان، آنکه مربی انسان است باید همه ی عالم را آشنا بر آن باشد و انسان را به همه مراتب آشنا به آن باشد تا بتواند این انسان را به آن مدارجی که دارد برساند، اسلام را به همه ی جهاتش بشناسید.»^۴

۱. نک: نجار زادگاه، فتح الله، رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی، قم: نشر معارف، ۱۳۸۸، ص ۳۹.

۲. هیوم، رابرت. ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۶۸.

۳. نک: ، رضا، پیشین، ص ۴۳.

۴. خمینی (ره)، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۸، قم: نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۹، ص ۷۲.